



# گستره و آفاق دین پژوهی جدید و تفاوت آن با مطالعات دینی گذشتگان

سه دهه دین پژوهی در ایران پس از انقلاب اسلامی  
در گفت‌وگو با دکتر حسین حیدری

اشاره مطالعات فرسنگی  
دکتر حسین حیدری، دانش‌آموخته رشته  
ادیان و گروه ادیان در دانشگاه کاشان است.  
از ایشان، شش اثر تألیفی و دو اثر ترجمه‌ای  
وجود دارد. علاوه بر این، مقالات بسیاری در  
روزنامه‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده  
است. وی مدیر مسئول مجله مطالعات عرفانی  
است. متن حاضر، حاصل گفت‌وگو با ایشان  
است.



## مطالعات دینی و دین پژوهی در ایران پس از انقلاب (طی این سه دهه) از چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار است؟ آیا می‌توان در یک نگاه کلی سمت و سو (جهت‌گیری)‌هایی را در این مطالعات دید؟

**دکتر حیدری:** در پاسخ به پرسش شما باید در آغازنمایی کلی از مطالعات دینی و سابقه دین پژوهی ترسیم کنم تا ابعاد و سویه‌های مختلف مسئله به روشنی تحلیل و گزارش شود:

یافته‌های تاریخی و باستان‌شناسی به ما می‌گویند که انسان از آغاز، موجودی دین‌ورز بوده است. به این معنا که همواره به نوعی نیروهای فرامادی (غیبی) باور داشته و برای موجوداتی، تقدس قائل بوده است و این باور در رفتارهای او تجلی کرده است.

بر این اساس، تأمل درباره مسائل دینی هم قدمتی برابر قدمت پیدایی و زیست بشری دارد. در عالم اسلام و دیگر ادیان مانند مسیحیت، یهودیت، هندوی و غیره، موارد ارزش‌مندی در باب تفسیر، کلام، فلسفه، تاریخ و غیره در اختیار ماست. با وجود این، گفته می‌شود دین پژوهی جدید، پیشینه صد ساله دارد! چه تفاوتی مابین دین پژوهی جدید و مطالعات دینی کهن وجود دارد؟

پدر دین پژوهی نوین را ماکس مولر (۱۹۰۰-۱۸۲۳ م) می‌شناسند. به همت او مجموعه ۵۰ جلدی کتب مقدس شرق به زبان انگلیسی انتشار یافت و همو بود که کتاب مقدمه ای بر دانش ادیان (*An Introduction In Science Of Religion*) را در اواخر عمر، نوشت. نخستین کنگره علوم دینی در ۱۸۹۷ در سوئد و دومین در ۱۹۰۰ م در پاریس برگزار شد و این شاخه معرفت بشری پس از تأسیس برخی رشته‌های علوم انسانی؛ مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به عنوان رشته علمی دارای کرسی دانشگاهی رسمیت یافت.

این مشخصه‌ها، دین پژوهی نوین را از مطالعات گذشتگان جدا کرده است:

۱. این شاخه معرفت بشری می‌کوشد حتی‌الامکان روش علوم تجربی (دانسته‌های تجربه‌پذیر همگانی) را در این حوزه نیز به کار بندد و از چهار راه کسب معرفت (شهود، نقل، عقل و تجربه) بر روش تجربه تأکید دارد و از رهیافت عقل نیز بهره می‌جوید و کمابیش روش پوزیتیویستی رایج را در قرون اخیر می‌پذیرد.

۲. این علم زمانی تولد یافته که فضای فرهنگی و علمی رایج، کاملاً از تئوری داروین متأثر بوده و تکامل‌گرایی اجتماعی هم‌تا-حدود زیادی مقبول شده بود. با نگاه داروینی، دین پژوه جدید، به عنوان پیش‌فرض، گوهر و خاستگاه تاریخی همه ادیان را واحد می‌داند و معتقد بود که همه دین‌ها از ادیان ساده‌تر قدیم که در اقوام ابتدایی زمان حاضر مشابه دارد، تکامل یافته‌اند. لذا شناخت هر دینی فقط از طریق شناخت ادیان دیگر میسر است و دین پژوهی تطبیقی رویکردی الزامی برای شناخت هر دینی است. حتی نام این رشته را به اختصار دین تطبیقی (*comparative religion*) نهاده‌اند. هم مکتب اشاعه و هم مکتب توارد در انسان‌شناسی، این



پیش فرض را باور دارند.

۳. علوم انسانی وقتی در قرن هجدهم به وجود آمد که محققان ماهیت خود انسان را هم‌ردیف دیگر اشیاء و حیوانات پنداشته و او را موضوع تحقیق دانستند. دین‌پژوهی نوین گرچه، لزوماً منکر آسمانی و وحیانی بودن دین نبوده و نیست، ولی محدوده پژوهش خود را به تجلیات و نمودهای عینی و قابل‌سنجش دینداری در رفتار افراد و جوامع منحصر می‌کند.

۴. انگیزه محققان علوم دینی قدیم، دفاع از دین یا مذهب با طریقت خود و یا نفی و طرد دگراندیشان بوده است. ولی دین‌پژوهی جدید عمدتاً به توصیف، گزارش و تحلیل می‌پردازد. و مدعی بی‌طرفی و حتی هم‌دلی با ادیان مختلف است. چون دین‌پژوه نوین، گوهر همه ادیان را واحد می‌شمارد و عناصر مهم تشکیل‌دهنده دین خاص را در همه دین‌ها پیدا می‌کند، زیرا اگر دین خاصی را محکوم کند، عملاً بقیه را نیز به همان چوب رانده است و در هر صورت، از پایگاه دینی خاص نمی‌تواند درصد دفاع یا هجوم برآید.

البته به پارادوکسی که در این زمینه وجود دارد، باید توجه کرد: از سویی هم‌دلی باعث کشف و درک امور خاص و ابعاد احساسی و عاطفی دین می‌شود، چنان‌که گفته‌اند:

تا تو را حالی نباشد هم‌چون ما  
حال ما نبود تو را افسانه بیش،

ولی از سویی دیگر، هم‌دلی و هواداری، خود، مانع تحقیق بی‌طرفانه است. لذا حصر روش‌شناسی، آفتی بزرگ است. به نظر می‌رسد مجموعه پژوهش‌های طرفدارانه و معاندانه و بی‌طرفانه مکمل یکدیگر است.

۵. دین‌داری، ابعاد مختلفی است از قبیل ابعاد: عقلانی، احساسی، اسطوره‌ای، تشکیلات اجتماعی، روان‌شناسی، معرفت‌شناسی، آیینی، اخلاقی، فقهی و غیره. محور عمده تحقیق پیشینیان بعد عقلانی و کلامی و گاه بعد فقهی ادیان بود و سوبه‌های دیگر مورد عقلت تحقیق قرار می‌گرفت، در حالی که دین‌پژوهی جدید به ابعاد دیگر توجه بیشتر دارد و گوهر دین را در دیگر ابعاد می‌یابد.

بر بنیادهای فوق، رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی دین، باستان‌شناسی دین، روان‌شناسی دین، انسان‌شناسی دین، پدیدارشناسی دین، فلسفه دین، دین‌شناسی تاریخی، دین‌شناسی تطبیقی و غیره در طی سده اخیر شکل گرفته است.

در ایران، به‌رغم سابقه بیش از هزار سال مطالعات دینی و پیشینه ۵۰ ساله رشته ادیان، هنوز مطالعات دینی بر سبک گذشتگان است و رشته‌های رسمی دانشگاهی مذکور، رسمیت کامل نیافته‌اند.

پس از انقلاب اسلامی به دلایل متعدد، جهت‌گیری اصلی مطالعات دینی، روش تحلیلی، فلسفی و جدلی است. علت اصلی این رویکرد چالش‌هایی بوده که دین در عرصه اجرا با آن مواجه بوده است. هم‌چنین فعالیت دگراندیشان داخل و خارج در این جهت تأثیرگذار بوده است.

جالب است که بسیاری از رهیافت‌ها و روش‌های دگراندیشان،

به تدریج به مفاهیم و ادبیات متدینان مبدل شده است. تأکید می‌کنم، به دلیل هدف دفاعی و جدلی مطالعات دینی از روش‌های مختلف دین‌پژوهی، دین‌پژوهی تحلیلی و فلسفی در ایران هم‌چنان روش غالب شده است. البته منکر نیستیم نقش مهمی که کسانی چون استاد مطهری و علامه طباطبایی در رواج این شیوه داشته‌اند و سنت فلسفی و کلامی شیعی از خواجه نصیر به بعد نیز بستر لازم را فراهم کرده است.

تقویت این شاخه (دین‌پژوهی تحلیلی و فلسفی) گرچه ارزشمند است، ولی متأسفانه موجب غفلت از دیگر شاخه‌ها، چون روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین، پدیدارشناسی دین، دین‌شناسی تطبیقی و دیگر رهیافت‌های تجربی غیره شده است. جا دارد عزمی جدی و نهضتی فراگیر در این حوزه‌های پژوهشی به وجود آید.

### مطالعات دینی و دین‌پژوهی در قیاس با قبل از انقلاب (طی این سه دهه) از چه تمایزها و احیاناً امتیازهایی برخوردار بوده است؟

**دکتر حیدری:** مطالعات دینی قبل از انقلاب، چند جریان را در برمی‌گرفت:

نخست: جریان سنتی که بی‌توجه به تحولات جهانی و دنیای جدید، راه قدما را ادامه می‌داد و به احیای علمی و نظری میراث قدیم پایبند بود.

دوم: جریان سنتی که در عین وابستگی به جریان اول، نیم‌نگاهی به تحولات جهانی داشت و می‌کوشید عناصر دین خود را کارسازتر از علم جدید و سوسیالیسم نشان دهد و در برخی موارد اثبات می‌کرد که آموزه‌های دینی با علم جدید ناسازگار نیست.

سوم: جریان روشنفکری دینی که هم به یافته‌های علم نوین و هم به آموزه‌های کهن مقید بود. در این طیف البته کسانی بودند که بیشتر به علوم جدید گرایش داشتند و متون دینی را از طریق تأویل سازگار می‌کردند و کسانی بودند که بدون ترجیح درصد تعادل برمی‌آمدند.

به هر حال درون‌مایه عمده کارهای دو جریان اخیر، چالش‌های اسلام با مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم، داروینیسم و تعارض‌های علم و دین بوده است. در حالی که پس از انقلاب اسلامی بحث‌های فلسفه دین، گوهر واحد ادیان، چالش‌های اجرایی دین مانند سکولاریزم، میزان تطابق اسلام با نیازهای بشری، چگونگی تعامل و هم‌زیستی ادیان مطرح شده است.

### ارزیابی شما از وضعیت مطالعات دینی و دین‌پژوهی، به لحاظ کمی و کیفی چیست؟

**دکتر حیدری:** با نگاهی کلی تردید نداریم که کشور ما در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی در هفتاد سال اخیر، آهنگ روبه‌رشدی داشته است، ولی پس از انقلاب اسلامی، جهش بی‌سابقه‌ای در این زمینه‌ها روی داده است.

بنابر اعلام مرکز آمار ایران در سال ۱۳۴۵، حدود ۲۸/۷ درصد





### در مقایسه میان آثار تألیفی در حوزه مطالعات دینی و دین پژوهی و آثار ترجمه‌ای این حوزه به زبان فارسی، چه نکاتی به نظر شما قابل طرح و تأمل است؟

**دکتر حیدری:** در مقایسه آثار تألیف شده با ترجمه شده نمی‌توانیم بدون شرط قابل به ارجحیت گونه‌ای بر دیگری باشیم. واقعیت این است که بسیاری از آثار تألیف شده در واقع با کنار هم نهادن آثار دیگران با ذکر، یا بی‌ذکر مأخذ پدیدار آمده‌اند، بدون آن که ابتکاری یا نظریه‌ای جدید در برداشته باشند. اگر چنین تألیفی را در نظر داشته باشیم، ارزش آن از ترجمه خوب کمتر است.

در مورد آثار ترجمه شده متأسفانه، مترجمان ما به زبان مبدأ، تسلط کافی ندارند و یا به زبان مقصد، با به هردو، متأسفانه هر نوآموزی که چند لغت را یاد می‌گیرد، کار ترجمه را در توان خود می‌یابد. در نتیجه کار او نه وفادار به زبان مبدأ است و نه شیوایی و روانی شایسته زبان مقصد را دارد. یکی از اساتید دین پژوه می‌گفت: من برای تسلط در ترجمه حدود ۱۲ هزار صفحه متن انگلیسی را با فارسی مطابقت کردم. یا استادی می‌گفت: برای ترجمه یک کتاب کوچک فلسفه، من شاهنامه را خواندم تا بر بیان و نگارش فارسی چیرگی یابم. راه حل این معضل این است که رشته ترجمه تخصصی اهمیت بیشتری باید و هیچ مترجمی بدون گذراندن کارگاه‌های مربوط و تسلط به مفاهیم موضوع ترجمه، خود را صاحب صلاحیت نداند.

ناگفته نماند کارهای ترجمه سال‌های اخیر بهتر از گذشته است؛ چون:

اولاً: آثار انتخاب شده عمدتاً روزآمد هستند و در برخی موارد مؤلفان کتب از ترجمه آثارشان باخبرند.

ثانیاً: کم‌کم مترجمان، تواضع به خرج داده و اجازه می‌دهند ترجمه‌شان ویراستاری علمی شود. و علاوه بر آن به ویراستاری نگارشی و ادبی هم تن می‌دهند.

ثالثاً: ترجمه‌های مشترک هم کمابیش زیاد شده است. بدیهی است کار گروهی که در دیار فرنگ هم امری مرسوم است، دستاورد بهتری دارد.

**وضعیت مطالعات دینی و دین پژوهی در ایران (سه دهه پس از انقلاب) در مقایسه با وضعیت جهانی چگونه**

مردم ایران باسواد بوده‌اند، در حالی که این رقم، سی سال بعد به ۷۹/۵۱ درصد رسیده است و در حال حاضر نهضت سوادآموزی می‌خواهد جشن ریشه‌کنی بی‌سوادی را در برخی شهرستان‌ها برگزار کند.

آمار تعداد کتب چاپ شده نیز به همان شتاب افزایش یافته است. چنان که در سال ۱۳۵۵ در حدود سه هزار عنوان کتاب در ایران چاپ شده، ولی در سال ۱۳۸۵ این رقم به ۵۳۴۵۲ عنوان رسیده است.

در خصوص کتب دینی نیز رشد عناوین و حتی افزایش تیراژ مجموع کتب چاپ شده ستودنی است. در سال ۱۳۷۳ در حدود ۲۰۵۴ عنوان کتب دینی به طبع رسیده و این رقم اکنون به سیزده هزار رسیده است.

گزارش منحنی رشد تولید کتاب در ایران موضوع مقاله یا گفت‌وگوی جداگانه‌ای است، ولی در این جا در مقایسه دقیق‌تر، مایلیم از سایت مؤسسه خانه کتاب آمار کتب منتشره کتب دینی را به تفکیک ترجمه و تألیف در کنار آمار کتب علوم پایه، فلسفه و در شش سال مختلف، گزینش و ارائه کنم:

رشد تیراژ مجموع کتب چاپ شده هم قابل توجه است:

در سال ۱۳۷۳ شمار کل کتاب‌های چاپ شده در کشور حدود ۵۴ میلیون و در سال‌های ۸۵ و ۸۶ به ترتیب ۲۲۸ و ۲۱۵ میلیون بوده است.

از لحاظ کیفی نیز در مجموع رشد خوبی داشته‌ایم. مهم‌ترین عامل آن گسترش آموزش عالی و افزایش شمار دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اجباری شدن نگارش پایان‌نامه برای اخذ مدارک خاص در حوزه‌های علمیه بوده است. برخی از این رساله‌ها که الزاماً با ساختار علمی و با راهنمایی و داوری اساتید تدوین گردیده‌اند، بعداً به صورت کتاب عرضه شده‌اند. این دسته از آثار، میانگین کیفی کتب چاپ شده را بالا برده است.

از لحاظ کمی، جدول ارائه شده در پاسخ پیشین نشان می‌دهند که در حدود ۲۰ درصد کتب چاپ شده در موضوع دین، آثار ترجمه‌ای است. جالب این است که در رشته‌های علوم پایه نسبت کتب ترجمه شده به کتب تألیفی کمتر از حوزه‌های دین است! چنان که در سال ۱۳۸۵ از حدود ۵۶۸۷ عنوان آثار چاپ شده در موضوع علوم پایه، حدود ۷۵۲ عنوان ترجمه، و مابقی تألیف بوده است.

این که در حوزه دین پژوهی به‌ویژه در سال‌های اخیر نیاز به ترجمه به‌شدت احساس می‌شود، شایسته تدبیر و تأمل است. نهضت ترجمه همانند نهضت قرن سوم هجری که مقدمه اوج‌گیری تمدن اسلامی در قرن چهارم بود، اگر هدف‌مند باشد می‌تواند زمینه‌ساز نهضت بالندگی و تولید فرهنگی در عرصه جهانی باشد.



**اگر بخواهید به نمونه‌های چشم‌گیر مطالعات دینی و دین‌پژوهی طی این سه دهه اشاره کنید. از کدام کتاب‌ها نام می‌برید؟**

**دکتر حیدری:** آثار قابل عرضه به محافل آکادمیک جهانی زیاد نیست. چنان‌که می‌دانید به دلیل همین ویژگی، کشور ما قانون کپی‌رایت را امضا نکرده است. نتیجه آن که هر کتابی را که بخواهیم بدون اجازه مؤلف و ناشر خارجی در ایران ترجمه یا چاپ افست می‌کنیم و می‌گوییم هر کتاب ما را هم شما می‌توانید چاپ یا ترجمه کنید!

چند عامل در عدم عرضه جهانی دخیل است:

۱. در حوزه دین‌پژوهی، مطالعات انجام شده عموماً دورن‌دینی و عمدتاً درون‌مذهبی است و برای کسی که هم‌مذهب ما نیست و برای مثال مقام امامت یا جایگاه احادیث امامان مکرّم را همانند ما قبول ندارد، مورد استقبال قرار نمی‌گیرد.

۲. روش‌های مطالعات دینی هم با فرمت علمی سازگار نیست و چنان‌که ذکر شد، جدلی و درصد اثبات مدعای خود و ابطال دیگران است.

۳. مبادلات ما هم با غیر مسلمین، اندک است و هم با دیگر کشورهای اسلامی.

۴. رسانه مهم انتقال یافته‌های علمی در محافل آکادمیک خارج، مجلات است نه کتاب، در حالی‌که در ایران هنوز رسانه اصلی یافته‌های علوم انسانی کتاب است.

با وجود این، برخی آثار همانند دانشنامه‌های چاپ شده در سال‌های اخیر و بعضی از پایان‌نامه‌های دکتری، قابل ترجمه و عرضه جهانی است. در حوزه تاریخ ادیان، من تحقیق کتاب‌شناسی گزینشی و توصیفی را برای انتشارات سمت انجام دادم و در حدود ۳۰۰ کتاب را برگزیده و نقد و توصیف کرده‌ام که به‌زودی این اثر چاپ می‌شود.

البته از جنبه اثرگذاری، بی‌انصافی است که از آثار جنجالی نام ببرم که امواج پژوهشی را در حوزه و دانشگاه به وجود آورده‌اند و جماعتی کثیر را به تکاپو واداشته، ناخودآگاه افق‌های جدیدی را باز کرده و محورهای تحقیقات دینی را دگرگون کرده‌اند.

**آیا طی این سه دهه آثاری که قابل عرضه به محافل آکادمیک جهانی باشد، دیده می‌شود؟**

**دکتر حیدری:** چشم‌گیرترین اثر سی سال اخیر را در حوزه دین-پژوهی مجموعه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی می‌دانم. آثار معرفی شده در جشنواره کتاب سال جمهوری اسلامی در مجموع ارزشمند هستند. آثار منتشره دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب هم در مجموع در زمره آثار مطلوب سه دهه اخیرند.

**در باره آسیب‌شناسی مطالعات دینی و دین‌پژوهی طی این سه دهه، چه نکاتی را قابل طرح می‌دانید؟**

**است؟**

**دکتر حیدری:** به‌رغم پیشرفت‌های مذکور، آثار منتشر شده داخل کشور با آثار خارج متأسفانه قابل مقایسه نیست و در خور قیاس با تولیدات صنعتی ماست.

عوامل بسیاری را در این عقب‌ماندگی می‌توان ذکر کرد، ولی به نظر من مهم‌ترین عامل، محدودیت مخاطبان زبان فارسی و تیراژ کم آثار است. چون غالب محققان ما به زبان انگلیسی تسلط ندارند و نمی‌توانند به این زبان بنویسند، مخاطب آثارشان اندک است، در نتیجه از لحاظ اقتصادی فعالیت پژوهشی مقرون به صرفه نیست و ناشران و مؤلفان بخش خصوصی نمی‌توانند با درآمد حاصله، معیشت خود را سرو سامان و فعالیت‌های خود را گسترش دهند. یکی از علمای معاصر می‌گفت: زبان اول عالم اسلام عربی نیست، بلکه زبان انگلیسی است. اگر مطلبی را به انگلیسی بنویسید چند نفر در عالم اسلام می‌توانند دریابند؟ و اگر عربی باشد چند نفر مخاطب می‌یابد؟ تیراژ چند صدهزاری کتب انگلیسی کجا و تیراژ ۳۰۰۰ جلدی کتاب تخصصی فارسی کجا؟

ماهاتیر محمد نخست‌وزیر سابق مالزی و بنیادگذار مالزی نوین در گفتگو با شبکه دو جمهوری اسلامی می‌گفت: اگر تجربه کنونی را داشتیم ۱۸ سال پیش دستور می‌دادم در مدارس مالزی کتب درسی به زبان انگلیسی نوشته و تدریس شود. کشورهایی مانند پاکستان و هند که نظر ماهاتیر را در پیش گرفته‌اند با توجه به میزان سرمایه‌گذاری در عرصه پژوهش موفق‌تر از ما هستند.

برای مقایسه اگر می‌خواهید آماری از کتاب‌دانش ایران که از سوی مرکز اسناد و مدارک علمی ایران وابسته به وزارت علوم و به همت دکتر غریبی و خانم انصافی تألیف شده اشاره می‌کنم. در این کتاب وضعیت تولید علمی و درصد مربوط در زمینه هنر و علوم انسانی در پایگاه ISI در مقایسه ۱۶ کشور منتخب بدین ترتیب گزارش می‌شود:

آمریکا (۶۴/۸ درصد)، انگلستان (۱۷/۸ درصد)، آلمان (۴/۷۳)، فرانسه (۳/۶۶) کانادا (۷/۸۶)، عربستان (۰/۰۲)، مصر (۰/۰۳)، ایران (۰/۰۱)، پاکستان (۰/۰۱)، کویت (۰/۰۱۵).

دکتر حیدری: مهم‌ترین آسیب‌ها و کاستی‌های مطالعات دینی در این سه دهه و دهه‌های پیش از آن به نظر من این موارد است:

۱. عدم استفاده پژوهندگان از منابع اصلی و تسلط نداشتن آنان به زبان‌های انگلیسی و عربی و دیگر زبان‌های حوزه پژوهش مربوط. برای مثال، کسی که مدعی تحقیق در دین‌های یهود یا مسیحیت است و زبان‌های عبری یا یونانی را نمی‌داند، مانند اسلام‌شناسی است که بدون تسلط به زبان عربی، ادعای اسلام‌شناسی را دارد.
۲. جامع‌العلوم بودن در این دیار، هنوز امری مطلوب و مستحسن است. در حالی که در پژوهش‌های نوین بدون جزئی‌نگری و تخصص‌گرایی، کار تحقیقی بی‌معناست. آن که مدعی تخصص در همه ادیان یا چند دین است، یاوه می‌بافد.
۳. انحصار روشی در شاخه عقلی و دین و عدم توجه به شاخه‌های تجربی دین‌پژوهی چنان‌چه گفته شد از کاستی‌های مهم مطالعات دینی این دیار است.
۴. هنوز پژوهش‌گر صرف بودن، هنوز به عنوان حرفه تمام وقت به رسمیت شناخته نشده است و الزامات نیازهای اداری یا معیشتی و گاه زیادت خواهی، بسیاری از اعضای هیئت علمی پژوهشکده‌ها و دانشگاه‌ها را هم به کارهای آموزشی و اجرایی داخل و خارج دانشگاه کشانده است. تولید جهانی آثار علمی و حمایت‌بخش دولتی می‌تواند زمینه لازم را برای حرفه‌ای شدن کار پژوهش فراهم کند.
۵. غالب پایان‌نامه و کتاب‌های انتشار یافته، موضوع محورند و نه مسئله محور. متأسفانه محقق ما نمی‌داند هر پژوهشی باید فقط درصدد ابطال یا اثبات فرضیه‌ای خاص باشد و بنا نیست محقق همه معلومات باریط و بی‌ربط خود به رخ مخاطب بکشانند.
۶. محققان متدین ما هنوز در مورد مشروعیت و مجاز بودن تردید در آراء گذشتگان و سنت دینی، تکلیف شرعی خود را نمی‌دانند و هرگونه تردیدی را گناه می‌انگارند. تردیدی نیست که هر تحقیقی در پی تردیدی به وجود می‌آید. به‌جز سانسورهای دورنی، سانسورهای سلیقه‌ای بیرونی هم مزید بر علت ناکامی پژوهش است.
۷. نقدگریزی و پرهیز از آراء مخالفان هم عامل افت سطح پژوهش ماست. تیمی که رقیب قوی نداشته باشد، مطمئناً پیشرفت نخواهد کرد. همه می‌دانیم، اگر آثار مارکسیسم در ایران منتشر نمی‌شد، آثار استاد مطهری این غنای کنونی را نمی‌یافت و بحث‌هایی چون فلسفه تاریخ، اقتصاد اسلامی و حواشی اصول فلسفه و روش رئالیسم، حقوق زن و امثال آن مورد بازاندیشی و بازسازی قرار نمی‌گرفت. به قول مولانا، اقوال مخالفان دین فرصت است نه تهدید. وی در دفتر ششم مثنوی می‌گوید: چون هدف انبیا تولید سکنجبین است، نه شکر و نه سرکه، لذا مخالفان هر چه سرکه بیشتر بریزند، فرصتی است تا شکر را افزود تا تولید سکنجبین بیشتر شود و اگر سرکه مخالفان نباشد، انبیا به هدف خود نمی‌رسند.

چون که سرکه سرکگی افزون کند  
پس شکر را واجب افزونی بود

۸. دروس مرجع‌شناسی، روش تحقیق، روش ترجمه، ویراستاری، آموزش زبان‌ها در رشته‌های الهیات دانشگاه‌ها و حوزه‌ها جدی گرفته نشده است و در نتیجه محصول این پژوهش‌ها چندان ارزشمند نیست.

۹. در عالم تشیع در حالی که که شمار دین‌پژوهان فاضل کم نیست، چهره‌های جهانی و بین‌المللی کم داریم. امثال دکتر حسین نصر که بتوانند در تربیون‌های علمی جهان حاضر شوند اندک‌اند.

۱۰. ارتباط دین‌پژوهان ما با محافل آکادمیک جهان کم است. حتی با اندیشمندان عالم اسلام هم ارتباط نداریم و مغرورانه خود را بی‌نیاز از این رابطه می‌پنداریم. تشکیل همایش‌های بدون اسراف و بدور از باندبازی و سیاست‌زدگی‌ها ضرورت دارد.

۱۱. سیاست‌های اداری سال‌های اخیر وزارت علوم، پژوهش - گران این وزارت‌خانه را به جای ارائه آثار پرمایه کم‌حجم به تولید انبوه و پرشمار کشانده است. عرضه سخن نو و قابل تأمل داشتن باید معیار ارتقاء باشد و نه فرآورده‌های بی‌شمار و حجیم.

۱۲. محدودیت‌های اقتصادی صنعت نشر و مشکلات بی‌شمار آن باید توجه ما را به سمت کتب الکترونیکی (E.B) و مجلات الکترونیکی (E.J) بکشاند، زیرا هزینه تولید و توزیع آثار الکترونیکی قابل مقایسه با آثار چاپی نیست و بازخوردهای سریع‌تری در پی دارد. حتی کشوری مانند سوئد که تولیدکننده مهم کاغذ است، هم به این سو کشیده شده است، چه رسد به کشور کویری ایران. دستگاه‌های جدید چاپ به هنگام سفارش کشور (print on demand = pod) هم گزینه مقرون به صرفه‌ای است.

۱۳. وضعیت معیشتی علوم انسانی، به‌گونه‌ای است که هنوز نخبگان جوان را بسوی خود نمی‌کشاند و از سوی دیگر سیمای ارائه شده از علوم انسانی در کتاب‌های درسی و معلمان مدارس راهنمایی و دبیرستان دافعه بسیار دارد. در این باب هم چاره‌ای باید.

هر چند بانک‌های اطلاعاتی مانند کوستیا و گیگاپدیا و امثال آن‌ها، امکان دستیابی محققان را به آثار جدید بیشتر کرده‌اند، ولی متأسفانه کتابخانه‌های ما غنای لازم را ندارند. برخی از کتابخانه‌های دانشگاهی جهان بیش از هفت میلیون جلد کتاب دارند و مضافاً سیستم تأمین مدرک آنان به گونه‌ای است که همه نیاز محققان را فراهم می‌کنند، ولی شمار بزرگ‌ترین کتابخانه دانشگاهی کشور ما در حدود یک میلیون و دیگر دانشگاه‌ها گنجینه بسیار کم‌مایه‌تری دارند. شایسته است کتابخانه‌ای جامع در حوزه دین‌پژوهی مأموریت یابد، یک نسخه از همه کتب منتشره در زمینه دین‌پژوهی جهان را فراهم کند. در قیاس با هزینه‌های پراکنده‌ای که در مؤسسات مختلف دولتی به صورت پراکنده می‌شود، این کار ممکن و مقرون به صرفه است. از سوی دیگر بانک‌های اطلاعاتی جامع آثار پژوهشی محققان داخل کشور هم باید به وجود آید.

و سخن پایانی سروده فردوسی بزرگ است:  
کدام است مردی پژوهنده راز  
که پیماید این ژرف راه دراز

